بسم‌الله‌الرحمن‌الرحیم

بسته متنی

هفته 50

مسجدنما

<http://MasjedNama.ir>

سلام بر شما

هر هفته با مراجعه به وبگاه مسجدنما می‌تونید بسته‌های هفتگی فرهنگی ویژه همان ایام را دریافت و در تابلوی اعلانات مسجد، مدرسه، محل کار و... خود نصب کنید. ما در پی آنیم با مشارکت همه فعالان فرهنگی مسجدی، تحولی در کارهای فرهنگی و تربیتی مساجد رخ دهد و مسجد به جایگاه حقیقی خودش بازگردد، ان‌شاءالله. باشد تا با زمینه‌سازی ظهور، سربازان خوبی برای امام خویش باشیم. برای هم دعا کنیم!

این هفته چه خبر؟

فهرست مطالب

[قرآن 3](#_Toc412734834)

[تأملی در صحنه‌ قیامت 3](#_Toc412734835)

[اهل‌بیت 4](#_Toc412734836)

[حتی اگر چند لحظه وقت داری... 4](#_Toc412734837)

[امام روح‌الله 5](#_Toc412734838)

[اين‌ها اصلاً نمى‏فهمند كه مسئله چیست! 5](#_Toc412734839)

[بازخوانی بیانات همین هفته در سال آخر عمر امام: 12 اسفند 1366 5](#_Toc412734840)

[امام خامنه‌ای 6](#_Toc412734841)

[نباید بگذاریم این کارها کم بشود 6](#_Toc412734842)

[شهدا 7](#_Toc412734843)

[پس‌انداز با پیاده‌روی 7](#_Toc412734844)

[یار مهربان 8](#_Toc412734845)

[چند ساعت با صدرا 8](#_Toc412734846)

[ایام ویژه 9](#_Toc412734847)

[جمل؛ داستان جنگ با خودی‌ها 9](#_Toc412734848)

[احکام 10](#_Toc412734849)

[صداشو در نیار! 10](#_Toc412734850)

[نیایش 11](#_Toc412734851)

[نیایش 11](#_Toc412734852)

[روزنوشت 12](#_Toc412734853)

[مملکت صاحب دارد! 12](#_Toc412734854)

[درنگ 13](#_Toc412734855)

[خرج کردن خود در بازار دنیا 13](#_Toc412734856)

# قرآن

## تأملی در صحنه‌ قیامت

انسان فاسقی که جز به پرده‌دری نمی‌اندیشد، برای این‌که از این دنیای بی‌ارزش، بیشترین بهره را بگیرد، حاضر است همه آینده خودش را خراب کند و هر موقع سخن از آن می‌شود، اصلش را زیر سؤال ببرد و بگوید:

**يَسْئَلُ أَيَّانَ يَوْمُ الْقِيامَةِ**

(از روى مسخره) مى‌پرسد: روز قیامت کى خواهد بود؟

اولاً ریشه این سؤال از مرض قلبی «پرده‌دری» است، این را خودش هم می‌داند. ثانیاً اگر واقعاً می‌خواهد بداند قیامت چه زمانی است، پس باید خوب توجه کند، البته اگر تحمل شنیدن سختی‌های این روز را دارد:

**فَإِذا بَرِقَ الْبَصَرُ (7) وَ خَسَفَ الْقَمَرُ (8) وَ جُمِعَ الشَّمْسُ وَ الْقَمَرُ (9) يَقُولُ الْإِنْسانُ يَوْمَئِذٍ أَيْنَ الْمَفَرُّ (10) کَلاَّ لا وَزَرَ (11) إِلي‏ رَبِّکَ يَوْمَئِذٍ الْمُسْتَقَرُّ (12) يُنَبَّؤُا الْإِنْسانُ يَوْمَئِذٍ بِما قَدَّمَ وَ أَخَّرَ (13)**

باید بداند، هنگامی‌که چشم از شدت وحشت خیره شود (7) و ماه بى‌نور گردد (8) و خورشید و ماه گرد آیند [و به همدیگر رسند] (9) آن روز انسان مى‌گوید: گریزگاه کجاست؟ (10) نه! گریزگاه مجویید، هیچ پناهگاهى وجود ندارد. (11) آن روز بازگشت همگان فقط به‌سوی پروردگار تو و قرارگاه تنها در حضور اوست. (12) در آن روز انسان را از آن‌چه پیش فرستاده (کارهاى نیک یا بدى که خود کرده) و از آن‌چه بعد آورده (سنّت‌هاى پسندیده یا ناپسندى که بر جاى نهاده است) آگاه مى‌کنند. (13)

هرچند که انسان نیاز به این اطلاعات ندارد، زیرا با همه عذرتراشی‌ها، خودش می‌داند چه کرده است...

# اهل‌بیت

## حتی اگر چند لحظه وقت داری...

نه‌فقط تا مرگ، بلکه اگر تا برپایی قیامت فقط چند لحظه وقت داشتید، چه می‌کردید؟ مطمئناً ذره‌ای وقت را تلف نمی‌کردید و به مهم‌ترین کارها می‌پرداختید، درست است؟ اما آیا جزء این کارها «کاشتن درخت» هم هست؟ نه، درست است؟ می‌دانید چرا؟ چون ما کاشتن درخت را یک کار تفریحی و فوق‌برنامه می‌دانیم. اما اگر این روایت را جدی گرفته بودیم، نگاه‌مان عوض می‌شد:

**إِنْ قَامَتِ السَّاعَةُ وَ فِي يَدِ أَحَدِكُمُ الْفَسِيلَةُ فَإِنِ اسْتَطَاعَ أَنْ لَا تَقُومَ السَّاعَةُ حَتَّى يَغْرِسَهَا فَلْيَغْرِسْهَا**

پیامبر اعظم (صلی‌الله‌علیه‌وآله) فرمودند: اگر نهالی در دست یکی از شماست و در آستانه برپایی قیامت به اندازه کاشتن آن فرصت دارد، آن را بکارد. (مستدرك الوسائل و مستنبط المسائل، ج‏13، ص: 460)

پس بی‌جهت نیست که رهبر جامعه اسلامی هر سال یک درخت می‌کارد. این صرفاً یک کار مستحب نیست؛ یک باقیات‌صالحات ویژه است!

# امام روح‌الله

## اين‌ها اصلاً نمى‏فهمند كه مسئله چیست!

شما مردم ايران را از موشك نترسانيد، مردم ايرانى كه شهادت را براى خودشان افتخار مى‏دانند و بسيارى از اوقاتى كه اين‌جا مى‏آيند، انسان تعجب مى‏كند از وضع اين‌ها كه جوانش فوت شده است، جوانش شهيد شده است، مى‏گويد باز هم مى‏خواهم، مى‏خواهم جوان دارم باز [در راه خدا بدهم‏]، بچه كوچك را مى‏گويد اين ان‌شاءالله، بزرگ مى‏شود و شهيد بشود... اين‌ها مردم را، اين مردمى كه طالب شهادت‌اند از شهادت مى‏ترسانند و اين يك اشتباهى است كه از باب اين‌كه نمى‏فهمند، اصلاً ادراك اين معنا را كه معنويات چى است. امثال صدام و اين‌ها اصلاً نمى‏فهمند كه مسئله چى است. متوجه اين‌كه ايران چه وضعى دارد و مردم ايران چه وضعى دارند، اصلاً متوجه اين نيست...

عمده اين است كه ما توجه داشته باشيم به اين‌كه حفظ كنيم ايمان خودمان را و وحدت خودمان را. اگر اين راه حفظ شد، هیچ‌چیز ديگر ترس ندارد. موشك بيايد، چه مى‏دانم هر كى مى‏خواهد بيايد، امريكا بيايد، شوروى بيايد...

#### صحیفه امام، ج 20، ص: 497

### بازخوانی بیانات همین هفته در سال آخر عمر امام: 12 اسفند 1366

# امام خامنه‌ای

## نباید بگذاریم این کارها کم بشود

ما گفتیم که مردم جیب خود را به صندوق [احسان و نیکوکاری کمیته امداد] شما وصل کنند - این سازمان‌یافته‌تر و تمرکزی‌تر است - اما اگر حتّی این کار هم نشود و هرکس همان چهل همسایه‌ای را که در شرع مقدس اسلام هست، رسیدگی کند، باز هم به نتیجه‌ خوبی خواهیم رسید. البته حالا واقعاً لازم هم نیست که هر چهل خانه را برویم و رسیدگی کنیم؛ چون دایره‌ وسیعی می‌شود؛ اما بالاخره **یک همسایه، دو همسایه، سه همسایه را در نظر بگیریم و آن‌ها را یا تأمین کنیم**، یا کمک کنیم، یا راه بیندازیم و از دیگران مستغنی‌شان بکنیم. اگر این «**روح نیکوکاری و انفاق» در مردم به وجود بیاید**، خوب است. آن چیزی که ما در جوامع غیرمسلمان می‌بینیم، این کمبود است... آن چیزی که در آن‌جا نیست، همگانی و همه‌گیر بودن این روحیه است. یک روز در کشور ما و سایر کشورهای اسلامی این روحیه همه‌گیر بوده است؛ یعنی هرکسی موظف بوده که پولی برای انفاق کنار بگذارد؛ یا رایج بوده که در ماه رمضان به نیازمندان افطاری بدهند؛ نباید بگذاریم این کارها کم بشود.

امام خامنه‌ای|14/12/1370

به مناسبت هفته احسان و نیکوکاری. باشد که مهرورزی را در سال جدید مهمان خانه‌ها کنیم

# شهدا

## پس‌انداز با پیاده‌روی

راه مدرسه‌اش دور بود. هم‌کلاسي‌هايش با ماشين مي‌رفتند. آن موقع، روزي دوازده ریال پول توجيبي به او مي‌داديم تا بتواند هم خودش را اداره کند و هم به مدرسه برود. با اين‌که پول کمي بود، اما اين بچه، هيچ‌وقت شکايتي نداشت. مدتي گذشت. متوجه شديم اسدالله، زودتر از ساعت هميشگي از خانه بيرون مي‌رود و تا مدرسه، پياده‌روي مي‌کند. علت کارش را متوجه نشديم تا اين‌که يک روز خواهر کوچکش مريض شد. پول کافي براي دوا و درمانش در خانه نبود. وقتي اسدالله متوجه اين موضوع شد، رفت و مقداري پول آورد و گفت: «اين‌ها را براي روزي مثل امروز پس‌انداز کرده بودم.» طفلکي پياده مدرسه مي‌رفت تا همان دوازده ريال را هم پس‌انداز کند!

شادی روح شهيد اسدالله کشميري و سلامتی همه نوجوانانی که می‌خواهند مثل او باشند، صلوات.

منبع: سایت صبح

# یار مهربان

## چند ساعت با صدرا

**مردی در تبعید ابدی، بر اساس داستان زندگی ملاصدرای شیرازی صدرالمتالهین**

نوشته نادر ابراهیمی، ناشر: انتشارات روزبهان، قطع رقعی، 277 صفحه، چاپ هشتم: 12000 تومان.

به مناسبت سالگرد تولد ملاصدرا (9 جمادی‌الاولی 980 ق)

خرید اینترنتی: http://bookroom.ir/book/11171

ملاصدرا هنوز زنده است، چراکه تفکراتش هنوز زنده است و مورد توجه اهل علم؛ تا آن‌جا که حضرت امام را نیز صدرایی می‌دانند و انقلاب اسلامی را هم متأثر از این تفکر. ملاصدرا جریان فلسفه اسلامی را متحول کرد و فضاهای جدیدی برای تفکر و عمل گشود. «مردی در تبعید ابدی» کتابی شیرین و جذاب است که به بازخوانی سرگذشت و شرح حوادث زندگانی صدرالمتالهین می‌پردازد و آن را در قالب داستان‌هایی جذاب و لذت‌بخش به خوانندگان خود می‌نوشاند. نویسنده کتاب هم مرحوم نادر ابراهیمی است. نویسنده‌ای که به تنهایی بار عظیمی از داستان‌نویسی انقلاب اسلامی را بر دوش کشیده است.

# ایام ویژه

## جمل؛ داستان جنگ با خودی‌ها

دوران حکومت امام علی علیه‌السلام، دوران یک حکومت مقتدرانه و درعین‌حال مظلومانه و پیروز بود. فقر عمیق اقتصادی مردم در کنار فقر فکری و فرهنگی از مشکلات دست‌وپاگیر بود. فتنه‌های سیاسی و برادرکشی نیز خودش را در قالب سه جنگ بزرگ بر حضرت تحمیل کرد؛ هر چند سرانجام امیرمومنان پیروز شد؛ یعنی هم در زمان خود توانست دشمنان را به زانو درآورد، هم بعد از شهادت مظلومانه‌اش، در طول تاریخ توانست مثل مشعلی برفراز تاریخ باشد. البته خون‌دل‌های ایشان در این مدّت، جزو پرمحنت‌ترین حوادث و ماجراهای تاریخ است. جنگ جمل، واقعاً فتنه عجیبی بود. جنگ با بزرگان اسلام و برادرانی بود که تا همین چندماه پیش، با حضرت بیعت کرده بودند ولی نتوانستند پای ولایت علی بایستند**. این خودی‌های بیعت‌شکن (ناکثین) حکومت مولا را تا جایی قبول داشتند که برای آن‌ها سهم قابل قبولی وجود داشته باشد؛ با آن‌ها مشورت شود، به آن‌ها مسئولیت داده شود، به اموالی که در اختیارشان هست، تعرّضی نشود؛ نگویند از کجا آورده‌اید!**

به مناسبت یکشنبه 10 اسفند برابر با 10 جمادی‌الاولی، سالروز جنگ جمل (36 ق)

# احکام

## صداشو در نیار!

**به زودی مسافرت‌های نوروز شروع می‌شود. ممکن است شما کوچولو داشته باشید و بعله دیگه! خب، اون بچه‌اس، خراب‌کاری می‌کنه، یه وقت شما دشواری درست نکنید!**

**سؤال: آيا اگر مهمانى يکى از اثاثيه‌هاى ميزبانش را نجس کند، مطلع کردن ميزبان واجب است؟**

**پاسخ:** اطلاع دادن در غير از خوردنى و آشاميدنى و ظرف‌هاى غذا، لازم نيست.

 منبع: اجوبه الاستفتائات، احکام نجاسات، سؤال 282

# نیایش

## نیایش

**اَللَّهُمَّ وَ اِذا صَلَّيْتَ عَلى مَلآئِكَتِكَ وَ رُسُلِكَ،**

**وَ بَلَّغْتَهُمْ صَلوتَنا عَلَيْهِمْ،**

**فَصَلِّ عَلَيْنا بِما فَتَحْتَ لَنا مِنْ حُسْنِ الْقَوْلِ فيهِمْ،**

**اِنَّكَ جَوادٌ كَريمٌ.**

بارالها! به وقتی‌که بر فرشتگانت و فرستادگانت درود می‌فرستی

و درود ما را به آنان ابلاغ می‌کنی،

به علت آن گفتار نیکو که در وصف آنان بر زبان و دل ما روان ساخته‌ای، بر ما نیز درود و رحمت فرست؛

که تو بخشنده و بزرگواری.

صحیفه سجادیه-براساس ترجمه حاج حسین انصاریان

# روزنوشت

## مملکت صاحب دارد!

**انگل، کم‌ترین لقبی است که می‌توان به یک نامردِ مزدور داد.**کسی که با کودتا خودش و پدرش به حکومت برسد و با دیکتاتوری آن را نگه دارد، آن‌وقت احساس بکند که صاحب مملکت است؛ انگل! تو نه از خودت چیزی داری، نه از خدای خودت و نه از مردم!

صاحب مملکت که معلوم است جز خدا کسی نیست. خدا هم حکومتش را به خلیفه‌الله داده است و در زمان غیبتِ خلیفه‌الله، نائب او مسئول جامعه است. این‌ها همه یعنی آن‌که **صاحب مملکت مردم هستند. مردمی که جز با «الله» و «ولی‌الله» بیعت نمی‌کنند.**

پس خیلی طبیعی است که **آن حکومت غیر خدایی را طاغوت می‌نامیم و این حکومت الهی را یاقوت.** اما از عجایب روزگار این است که خیلی‌ها ظاهر بدِ امروز را با ظاهرِ بدتر آن روز مقایسه می‌کنند و عجیب‌تر آن‌که آن روزها را به رخ این روزها می‌کشند!

این‌جا دیگر سخن از عزت نمی‌کنیم که برخی بی‌خردان، از آن سر در نیاورند. **بحث سر این است که تو الآن صاحب مملکت خودت هستی. پس سخت‌ترین اوضاع امروز شرف دارد به بهترین روزگار آن روز.** امروز با خیال راحت سرت را بالا بگیر و بگو: مملکت صاحب دارد!

# درنگ

## خرج کردن خود در بازار دنیا

بعد از این‌که آدمی خود را شناخت، استعدادهایش را کشف کرد و نیازهایش را یافت، می‌ماند خریداری‌که زندگی‌ را برایش خرج کند... خریداری که بیش از آن‌که به فکر خودش باشد، به فکر من باشد. یادم باشد سرمایه‌ای داشتم که قرار بود سودش را هم به صاحب سرمایه برگردانم: «انالله و انا الیه راجعون»

چه بخواهم و چه نخواهم زندگی‌ام صرف کارهای متفاوتی می‌شود؛ پس چه بهتر که زندگی‌ام خرج بهترین‌ها شود. بازار دنیا این‌گونه نیست. دنیا ما را می‌خواهد برای خودش ولی خدا ما را می‌خواهد برای خودمان...

هنگامی‌که یک عمر برای دلم دویدم، نتیجه‌اش چه می‌شود؟ هنگامی‌که یک عمر برای هوس‌های مردم سوختم، آن‌ها به من چه می‌دهند؟ جز چندتا آفرین و یک دقیقه کف زدن و چهار دقیقه سکوت! یادم نرود جناب زبیر را که شمشیرش عمری مشکلات پیامبر را حل می‌کرد، چگونه به خاطر دنیاخواهی، در جنگ جمل ذلیل شد. او خودش را باخت در بازار دنیا...

کسانی که خریدارشان خداست، همیشه به سمتش درحرکت‌اند، درنگ بس است...